

حکومت خاندان اسفندیاری در کرمان (محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری)

دکتر شمس‌الدین نجمی

عضو هیئت علمی دانشگاه کرمان

چکیده:

یکی از دوره‌های مهم سیاسی - اجتماعی تاریخ کرمان، دوره قاجار می‌باشد که از ۲۰۸ هـ / ۱۷۹۶ م تا ۱۳۳۴ هـ / ۱۹۲۲ م به طول انجامید و در دوران همین سلسله بود که آقامحمدخان قاجار طی حمله‌ای وحشیانه کرمان را به ویرانه‌ای تبدیل کرد و بزرگترین بدبختی را برای آن به ارمغان آورد.

اما چهار سال پس از این حادثه دردناک، فتحعلی شاه (جاشین آقامحمدخان) به اشاره بزرگان و برای جبران خسارت‌ها و خرابیهای کرمان، پسرعمویش ابراهیم خان ظهیرالدوله قاجار را به حکومت آنجا منصوب کرد و سی و هفت سال پس از وی، محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری (وکیل‌الملک اول) و پس از او پسرش مرتضی قلی خان (وکیل‌الملک دوم) در مجموع ۲۰ سال بر کرمان حکومت داشتند که مظهر آبادانی‌ها و خدمات بسیاری بودند و این مقاله به تشریح چگونگی حکومت و خدمات این خاندان (خاندان اسفندیاری) در کرمان و معرفی آنان می‌پردازد.

واژگان کلیدی: دوره قاجار، کرمان، آقامحمدخان، محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری، مرتضی قلی خان، خاندان اسفندیاری.

کرمان در عصر قاجار

یکی از دوره‌های مهم سیاسی-اجتماعی تاریخ کرمان، دوره قاجار است که از ۱۲۰۸ هـ.ق / ۱۷۹۶ م تا ۱۳۳۴ هـ.ق / ۱۹۹۲ م به طول انجامید. این سلسله بزرگترین بدبختی و مصیبت را برای کرمان به ارمغان آورد. با یورش وحشیانه آقامحمدخان قاجار، کرمان به ویرانه‌ای تبدیل شد. به گونه‌ای که این شهر زیبای حاشیه کویر دیگر قابل سکونت نبود و سال‌ها روی آبادی به خود ندید.

آقامحمدخان قاجار، در سال ۱۲۰۸ هـ.ق / ۱۷۹۶ م به دنبال آمدن لطفعلی خان زند به کرمان که در پاسخ به دعوت و استقبال بزرگان و مردم کرمان به این شهر پناه آورده بود، از روی خشم و کینه و انتقام، به تخریب، قتل عام و غارت کرمان فرمان داد. به طوری که کرمان آباد و زیبای به جا مانده از دوره صفوی را به ویرانه‌ای با جمعی کور، معلول و بیمار تبدیل کرد. علاوه بر ویرانی شهر و کشتار مردم، مصایب و مشکلات زیر پی آمد و دست آورد این حمله ناجوانمردانه به شهر کرمان بود:

۱ - مهاجرت بزرگان، علما، توانگران و دودمان‌های بومی و قدیمی کرمان به دیگر

ایالات ایران؛

۲ - انجام بزرگترین «نسل‌کشی» تاریخ کرمان؛

۳ - نابود شدن نیروی انسانی فعال کرمان و باقی ماندن جمعی کور و بیمار؛

۴ - به وجود آمدن بزرگترین «استحاله قومی» در منطقه؛

۵ - ایجاد ناامنی اجتماعی و روانی شدید در منطقه؛

۶ - تعطیل شدن مرکزیت علمی منطقه که از زمان قراچتایان و صفویه فعالیت داشت؛

۷ - بسته شدن راه تجاری شرق به غرب و جنوب به شمال؛

۸ - انهدام قطب تجاری - اقتصادی کرمان در پی خرابی شهر کرمان و مسدود شدن

راه‌ها؛

۹ - تخریب و نابودی زمین‌های کشاورزی در پی انهدام قنات‌ها و مهاجرت

کشاورزان و روستائیان؛

۱ - ایجاد تنفر و کینه دائمی و فراموش نشدن بی‌کرمانی‌ها از شاهان و حکام قاجار. (ساینکس، ج ۱، ص ۸۴)

چهار سال پس از این حادثه و فتنه دردناک، فتحعلی شاه (جانشین آقامحمدخان) به اشاره و تواضیه و اخطار بعضی از بزرگان، درباریان، علما و عرفای آواره کرمانی، به نتایج این افتضاح تاریخی پی برد و متوجه خطرها و خسارت‌های آن گردید و به اصطلاح برای دلجویی مردم و جبران خسارت‌ها و خرابی‌های این معرکه، حکومت کرمان را به ابراهیم خان ظهیرالدوله قاجار اعموزاده خود، واگذار کرد. ابراهیم خان در بازدیدی که پس از ورود خود در روزهای اول حکومت از شهر ویران شده کرمان به عمل آورد، با تعجب و عصبانیت به همراهان خود گفت: اینجا که محل زندگی نیست! اینجا که ویرانه است! چرا این شهر بدین صورت درآمده است؟ سپس دستور داد در جانب غربی شهر ویران شده، شهر تازه‌ای (محلّه‌ای تازه) بسازند؛ و با احیا و بازسازی تعدادی از قنات‌ها و تشویق مردم ایالات همسایه به مهاجرت به کرمان، و تأمین راه‌های ارتباطی و نظم و نسق در بلوچستان^۲ و ساختن بازار، کاروانسرا و قیصریه دوباره به اقتصاد کرمان جان تازه‌ای بخشیدند.

سی و هفت سال پس از ابراهیم خان ظهیرالدوله، محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری (وکیل‌الملک اول) و پس از او پسرش، مرتضی قلی خان (وکیل‌الملک دوم)، که در مجموع ۲۰ سال بر کرمان حکومت داشتند، در کنار مجموعه گنجعلی خان و ابراهیم خان مجموعه دیگری شامل بازار، کاروانسرا، حمام، مسجد و آب‌انبار بنا نهادند که بعدها، سرای سردار هم به این مجموعه افزوده شد. این مجموعه، امروز در بازار کرمان برپاست و مورد استفاده اصناف، بازرگانان و پیشه‌وران قرار داد.^۳

حکومت کیومرث میرزا

در سال ۱۲۷۶ هـ ق / ۱۸۶۰ م شاهزاده کیومرث میرزا عمیدالدوله^۴ به پیشکاری (=نایب‌الحکومه، وزارت) محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری، به حکومت کرمان

منسوب و روانه آن جا شد. این شاهزاده، حدود دو سال به طور اسمی به حکمرانی اشتغال ورزید. اما اداره امور حکومتی ایالت کرمان، به طور رسمی با محمد اسماعیل خان بود. در این زمان به علت هجوم ملخ به مزارع و ملخ خواری، در کرمان قحطی و گرانی روی داد. به همین سبب عوام نادان، به کثرات به دارالحکومه رفتند و دست به شورش و غوغا زدند. شاهزاده کیومرث میرزا هم، آنان را استمالت می کرد. ولی عوام دست بردار نبودند و بر زخمات و حرکات خود می افزودند و شاهزاده هم بر دلداری آنان می افزود. تا اینکه به همین سبب شاهزاده به دارالخلافه احضار و از حکومت کرمان عزل گردید.

حکومت ابن اسفندیار در کرمان

منظور از ابن اسفندیار، محمّد اسماعیل خان نوری اسفندیاری^۵ فرزند فتحعلی خان معروف به کوه نور است که از آغاز دولت قاجاری، خدمات بزرگی به سلاطین این دودمان کرد و در ۱۲۶۱ هـ مأمور توقیف (= توقف اجباری، نوعی تبعید) در کرمان گردید. در این زمان، املاکی از خالصجات دیوانی را به تیول گرفت و همت در آبادی آن املاک گماشت. (ناظم الاسلام کرمانی، ص ۴ مقدمه) از شعبان ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۷ نایب‌الحکومه کرمان بود و از آن پس تا ۱۶ جمادی الآخر ۱۲۸۴ که درگذشت، حکمرانی کرمان و بلوچستان را در دست داشت. محمد اسماعیل خان، مردی نیک فطرت، خوش طبیعت و دارای کمالات رسمیه و صفات پسندیده بود. در کرمان از هر جهت علاقه تامّه به هم رسانید. با همه طوایف بزرگ کرمان وصلت و قرابت نمود و به آنان دختر داد و برای پسران خود از آنان دختر گرفت. علاوه بر امور حکومتی، در باب تجارت با کلکته (هندوستان) و اربابی و فلاحت در کرمان، اول تاجر و اول ملاک بود. (وزیری، ج ۲، ص ۸۰۸) فتوت و جوانمردی، مردم‌داری، علاقه کامل او به امور زراعت و خدمات برجسته وطن پرستی و ایستادگی او در مقابل بیگانگان و حسن کفایت و تدبیر او هنوز مورد ستایش و ضرب‌المثل اهالی کرمان است. (نوری اسفندیاری،

فتحعلی خان کوه نور
فتحعلی خان کوه نور، فرزند محمدرضا خان تاجار از رقبای مخالفین آقامحمدخان قاجار و از سرداران نامی عصر قاجار در زمان فتحعلی شاه است که به شهادت تاریخ در جنگهای ایران و روس در جبهه قفقاز به ویژه در ایروان رشادت و خدمات بزرگ و شایسته ای انجام داد. محمدرضاخان، پسر از آن که از آقامحمدخان قاجار شکست خورد، به سنوی موزچه خورت اصفهان گزینخت. فتحعلی خان کوه نور (فرزند او) هم به سوی مشکین شهر و تبریز که در آن جا به توازت علایق ملکی داشت، فرار کرد و آنجا سکونت اختیار کرد. در این هنگام، آقامحمدخان قاجار سزگرم مبارزه و زد و خورد با لطفعلی خان زند و دیگر مدعیان سلطنت بود. بدین سبب، مجال و فرصتی برای تعقیب فرزندان و اعیان محمدرضاخان را نداشت. تا اینکه فتحعلی خان کوه نور مبلغ ده هزار تومان به آقامحمدخان قاجار تقدیم داشت تا از تعقیب کسان و فرزندان محمدرضاخان دست بردارد. درخواست او اجابت شد و به این ترتیب جمع آوری فرزندان و اقارب محمدرضاخان و محافظت و نگهداری آنان بر اثر لیاقت و حسن تدبیر فتحعلی خان کوه نور (پسر محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری) انجام پذیرفت. زمانی که فتحعلی خان کوه نور در آذربایجان (تبریز) به سر می برد، دو پسر او یکی محمد مهدی خان بود که دم و دستگاهی وسیع و زندگی مرفه و آسوده ای در نور مازندران داشت که تعداد زیادی از افراد خاندان اسفندیاری از جمله اسدالله نوری اسفندیاری (نویسنده تاریخ خاندان اسفندیاری) از اعیان او هستند. و پسر دیگر او، یعنی محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری از سوی دولت مأمور کرمان شد و در آن جا اقامت گزید و اسفندیاری های کرمان نیز از نسل و تبار او هستند.

محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری
محمد اسماعیل خان نوری فرزند فتحعلی خان کوه نور از شعبان ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۷
نایب الحکومه کرمان بود و از آن پس تا پایان عمر ۱۲۸۴ (جمادی الآخر) حکمران

کرمان و بلوچستان بود. وی در سال ۱۲۷۶ هـ که وزارت کرمان را داشت، به وکیل الملک ملقب گردید و در سال ۱۲۸۲ هـ علاوه بر لقب وکیل الملکی به لقب سرداری هم نایل آمد و از این تاریخ، او را وکیل الملک سردار و یا سردار محمد اسماعیل خان وکیل الملک خطاب می کردند. (بامداد، ج ۳، ص ۱۸۰-۲۹۷)

محمد اسماعیل خان نوری، از بزرگان و رجال نامی عصر خود بود. چند بار ناصرالدین شاه قاجار تصمیم گرفت که او را به صدارت عظمی منصوب نماید. وکیل الملک از اوضاع دربار ناراضی بود و اصلاح امور در هم پیچیده دربار قاجار را غیر ممکن می دید و بدین سبب از قبول منصب صدارت و زمامداری شانه خالی می کرد. هر وقت که ناصرالدین شاه درباریان خود را تهدید می کرد، ضریحاً می گفت: «کاری نکنید زنجیر آن شیر زیان را که در کرمان خفته است، رها و بلای جان شما کنم. چه آنکه از همه شما لایق تر و در امور کشور بصیرتر می باشد.» (نوری اسفندیاری، ص ۶۶) در ابتدا در دستگاه ولیعهد (= ناصرالدین میرزا ولیعهد = ناصرالدین شاه) در آذربایجان (تبریز) به خدمتگزاری و انجام خدمات اشتغال داشت. در سال «قوی ثیل» ۱۲۷۵ هـ به اقتضای رای جهان آرای اعلیحضرت قدرقدرت شهریار شعار (ناصرالدین شاه قاجار) به پیشکاری مملکت کرمان، درجه امتیاز حاصل نمود. اهل کرمان را که به مرور ایام، از حوادث زمان شیرازه اوراق تعیش از هم گسیخته و برگ ثمر نخل زندگی به خاک ریخته بود، بخت مساعد یار و دولت بیدار برکنار آمد. بعد از ماموریت و ورود (به کرمان) به مقتضای فرط کفایت و کاردانی، تمهید اسباب آسوده خاطر ری رعیت را وجهه همت نمود و به جز اشاعه امنیت و حفظ ثغور و سرحدات و انتظام طرق و شوارع، به کار دیگری توجه نکرد. (نوری اسفندیاری، ص ۶۷)

خدمات محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری

۱- طایفه بهارلو (از طوایف ایلات فارس) را که در آن زمان، آغاز شیرازی و هرزگی نموده و سر از گریبان برآورده و در حدود کرمان دست تظاول گشوده بودند، تینبه

کامل نمود. رؤسای آن‌ها را باند نهاد و با غل و زنجیر به دربار شوکت‌مدار فرستاد. تقریباً دو بیست خانوار از طایفه مزبور را در بلوک (نرماشیر) سکونت داد و در حق آن‌ها، مدد معاش از نقد و جنس مقرر داشت. تا به شرارت و فساد برنخواسته، به جای خود نشینند و به نوکری و رعیتی پردازند. در همین سال (۱۲۷۵ هـ) خیرالله کشکولی را که به شرارت مشغول و از متمرّدین بود و باراهزنان موافقت و همدستی داشت، به سزا گوشمالی داد. (نوری اسفندیاری، ص ۶۷)

۲- در سال دوم ورود خود به کرمان (۱۲۷۶ هـ) توسن خیال را به نظم بلوچستان تاخته و به دفع آزادخان خارایی افغان پرداخت. چه او همواره گرفتار هوای تصرف جالق و دزک (= دو قلعه در بلوچستان) بود و به خیال بیهوده، منتظر به دست آوردن فرصت برای ایجاد اختلاف و نفاق میان خوانین بلوچ بود. وکیل، با استعداد سپاه کامل به تسخیر قلاع یادشده برخاست. (نوری اسفندیاری، ص ۶۷)

وکیل‌الملک، پس از شنیدن این خبر، با این که موقع مناسبی برای سفر به گرمسیر نبود، تجهیز لشکر نمود و عزم سفر به بلوچستان نمود. بعد از ورود به بم و نرماشیر، مصلحت چنان دید که برای وحشت آزادخان افغان و اطمینان سپاه خود، در ریگان (ناحیه‌ای دوردست در بلوچستان) که آخر خاک نرماشیر و اول خاک بلوچستان است، اقامت نماید و قشون مامور دارد. لذا به اقتضای مصلحت و رأی صائب، جمعیتی فراوان از سواره و پیاده و فوج و توپخانه و جمازه‌سوار (= شترسوار) از ریگان مامور داشت و خود در آن جا متجاوز از دو ماه ماند و پی‌در پی سپاه را پشتیبانی کرد و کمک فرستاد تا سرانجام به قول او: «از بخت بلند ذات اقدس شاهنشاهی، آزادخان افغان بعد از مقاتله و مجادله شکست فاحش دید و به خاران (روستایی در مشرق نرماشیر در قلب کویر که تا شهر بم، بیست فرسنگ فاصله دارد) گریخت و قشون کرمان پیروز مندانه معاودت کرد.» (نوری اسفندیاری، ص ۶۸)

۳- بعد از این که امور کرمان و بلوچستان را به نظم آورد و نعمت امنیت برقرار شد، وکیل‌الملک به مقتضای فطرت و طبیعت، رفاه و تربیت مزدوم و آبادانی ولایت را مورد

توجه قرار داد. سپس تشویق اهل حرف و صنایع و احیای اراضی موات و احداث قنوات را که بهترین خیرات و مبرات است، شروع کرد و بنای تجارت گذاشت؛ بدین هدف و امید که شاید دزدان مردم این دیار، آتش همت و غیرت مشتعل شود و میل و هوای تزیین آب و خاک در آنان زنده شود و ملک آهنگ آبادی گیرد. وکیل الملک، ابتدا برای تیمن و تبرک، عمارتی وسیع برای تعزیه داری خامس آل عبا، حضرت سیدالشهدا علیه السلام، در شهر کرمان بنا نهاد و آن را وقف نمود تا همه ساله در ایام عاشورا در این عمارت مراسم عزاداری برگزار شود و بدین منظور، سه دانگ از مزرعه کوثر یزد (روستایی در حد فاصل چوپار - قناتستان) را که قبل از مأموریت به خدمت در کرمان خریداری کرده بود، برای مصارف آب و آتش مراسم عزاداری وقف نمود.

۴- از عادات و سنن پسندیده او برای دادرسی و عدالت گستری این بود که، چه زمستان و چه تابستان، هر ساله به سرحد گرمسیر مسافرت می کرد و به اعمال عمال و ضابطین (ماموران جمع آوری مالیات و خراج) رسیدگی می کرد و شخصاً به رفع ظلم و تعدی می پرداخت. فقرا و ضعفا را مورد تفقد و نوازش قرار می داد. به هر ناحیه و منطقه که می رسید، به اقتضای قابلیت و استعداد و نیاز آن محل، تأسیساتی چون آب انبار، حمام، قنات و کاروانسرا اجداث می کرد تا روستائیان و عابرین به آسودگی و رفاه از آن ها استفاده نمایند.

۵- در سال ابت ئیل (۱۲۷۸ هـ)، وکیل الملک از دور و نزدیک شنید که امیر امین ایرافشانی در بلوچستان به خیانت برخاسته و طایفه احمد زهی نیز سر از اطاعت برتافته اند. برای فرو نشانیدن این فتنه و فساد، به تجهیز لشکر پرداخت و عازم بلوچستان شد. پس از ورود به بمپور، ابتدا قلعه ایرافشانی را که مدت ها از تصرف دولت مرکزی خارج شده بود، با سپاه سواره و پیاده، به مدت ۴۰ روز محاصره و سرانجام به تصرف درآورد. قلعه گیان نیز مطیع شدند و امیر امین ایرافشانی به کیفر خیانت، به دست سپند خان (از جوانین بلوچ) کشته شد و طایفه یاغی احمد زهی هم با کمک مددخان سرحدی به سختی گوشمالی داده شد. (نوری اسفندیاری، ص ۷۳)

۶- در آن سال، قحطی در بلوچستان به حدی بالا گرفته بود که مردم بمپور به علف صحراً سدجوع می‌کردند. و هر روز پنج نفر از شدت گرسنگی جان می‌دادند. وکیل‌الملک برای سلامت و نجات نفوس بمپور، برای آنان جیره مقرر داشت و برای این منظور دوینست خرواز غلّه اختصاص داد و در مدتی که در بمپور اقامت داشت، دستور داد قورخانه‌ای محکم (= اسلحه‌خانه) در قلعه این شهر و حمام و آب‌انبار و اصطبل برای اسبان توپخانه و انبار غله و گاه در خارج از قلعه بنا کنند که در عرض یک سال ساخته شد.

۷- در سال تنکوزئیل ۸ (۱۲۷۹ هـ) به افزایش اقطاع بلوچستان پرداخت و بنا تصرف و تسخیر قلعه پیشین بر اقطاع آن دیار افزود. (نوری اسفندیاری، ص ۷۳)

۸- در همین سال از بلوچستان خبر رسید که ضاحب‌منصبان انگلیسی از بندر کوادر (= گواتر) ۹ آمده و در نظر دارند که برای تصاحب و سلطه بر بندر طیس (= تیس = تیز) ۱۰ در جنوب استان کرمان، اقدام به آبادی و ساخت و ساز نمایند. وکیل، پس از شنیدن این خبر، برای جلوگیری از این تصرف در خاک ایران بی‌درنگ میرزا مهدی خان سرهنگ را از قشون کرمان روانه بندر تیس (= Tis) نمود و به او مأموریت داد که هر چه زودتر در آن جا قلعه‌ای بنیاد کند که نشانه قدرت و تصرف دولت مرکزی در آن ناحیه باشد. میرزا مهدی خان هم شتابان به بندر تیس رفت و طبق دستور وکیل قلعه‌ای کوچک در آنجا بنا نهاد تا اسبابی باشد برای منع مداخله بیگانگان در این ناحیه از کشور.

۹- در نوروز سال فرخنده اودئیل ۱۱ (۱۲۸۱ هـ) برای انتظام سرزمین نیمروز (سیستان) که در آن زمان مختل و پریشان بود، فرمان سفر به سیستان، به نام وکیل‌الملک شرف صدوز یافت. وکیل به محض دریافت فرمان، بزرگ سفر ساز کرد و پس از پنج روز، با سپاهی انبوه از سواره و پیاده از نرماشیر راه سیستان در پیش گرفت. در مدت دو سال با سرکوبی یاغیان و خوانین متمرد و آشوبگر، امنیت را به منطقه سیستان باز آورد و اوضاع آن جا را سر و سامان داد و از راه بیرجند، قاین و نصرت آباد، به کرمان بازگشت، در حالی که به علت تحمل زحمت و مشقت زیاد و گرمای شدید هوا بیمار بود.

پس از این سفر موفقیت آمیز بود که به پاس خدمات ارزشمندی که از او به ظهور رسیده بود، به فرمان ناصرالذین شاه قاجار، مورد عنایت و تفقد مخصوص قرار گرفت و به امتیازات خاص، مناصب، القاب، حکومت، سرداری، لقب خانی و اعطای عصای مرصع و قمه و کاردیمکمل به الماس و نشان و تمثال همایونی، مفتخر و سرافراز شد و به حکمرانی مملکت کرمان و بلوچستان و سیستان سرافراز آمد. (نوری اسفندیاری، ص ۷۶)

وکیل الملک در اواخر عمر، در کمال سعادت و اعتقاد به خیال بقای سرای ابدی افتاد و نسبت به حفر نهر نجف اشرف اقدام نمود. سپس بر اساس قانون شرع مقدس اسلام، تمام مایملک خود، از نقد و جنس و ضیاع و عقار را به فرزند ارجمند و خلف ارشید خود، مرتضی قلی خان سرتیپ، مصالحه کرد و سرانجام در روز ۱۶ جمادی الثانی توشقان ٹیل (۱۲۸۴ هـ) مزاج او از اعتدال بگشت. و در دهه ۹۰ زندگانی را وداع گفت. طبق وصیت او، جنازه اش را با کمال احترام در نجف اشرف به خاک سپردند. (نوری اسفندیاری، ص ۷۶؛ وزیری، ج ۲، ص ۸۰۸) وکیل الملک مردی بود کاردان، با کفایت، باتجربه، مدیر، مدبر، سخنور، خوش قلم، ادب دوست و سیر و تواریخ را به خوبی می دانست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آثار محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری جامع علوم انسانی

عمران و آبادی شهرها و روستاها، احداث قنات‌ها، ساختمان قلاع محکم در سرحدات، احداث دهات و مزارع در استان و مستغلات زیاد در شهر کرمان و همچنین، بنای ساختمان‌های زیاد در تهران، تبریز، قم، نور مازندران، هشتگرد، آذربایجان و یزد، به چاپ رساندن کتب، وقف موقوفات، بنیان مساجد و تکایا و مدارس، دستگیری فقرا و مستمندان و ایجاد نظم و آرامش در سراسر ایالات کرمان و بلوچستان نمونه‌هایی از آثار و خدمات اوست که در زیر آمار آن‌ها ارایه می شود.

الف. بناهای شهری:

- ۱ - بازار بزرگ، طولانی و زیبایی وکیل در شهر کرمان شامل ۱۶۰ دکان (حد فاصل بازار گنجعلی خان و مسجد جامع مظفری)؛
- ۲ - کاروانسرای بزرگ و باشکوه در دو طبقه مشتمل بر یکصد و بیست اتاق به اضافه خلوت، طویله، بارانداز و سایر ملزومات در وسط بازار وکیل؛
- ۳ - خانه‌های وسیع و عالی در اطراف بازار و کاروانسرای وکیل؛
- ۴ - دو باب حمام بزرگ و کوچک برای استفاده مردان و زنان در کمال زیبایی و استحکام؛
- ۵ - تالاری بزرگ و رفیع با ده اتاق در باغ گلشن (دیوانخانه یا ارگ حکومتی)؛
- ۶ - دو انبار بزرگ و وسیع برای جمع آوری غلات دیوانی در ارگ حکومتی؛
- ۷ - یک باب مازارخانه (= گیاهفروشی، داروفروشی) بسیار وسیع مشتمل بر دو سنگ حناسایی؛
- ۸ - دو دروازه جدید برای شهر کرمان: یکی دروازه ناصری به نام ناصرالدین شاه و دیگری به نام وکیل؛
- ۹ - احداث باغات و عمارات عالی شامل تالار، اتاق، ایوان، حمام، انبار و اصطبل در مزرعه زریسف در خارج از شهر کرمان؛
- ۱۰ - احداث مدرسه‌ای برای استفاده علماء، ادبا و طلاب در قریه لنگر در شش فرسنگی کرمان و همچنین یک باب یخچال در خارج از این آبادی و وقف آن به مدرسه لنگر؛
- ۱۱ - تعمیر اساسی ایوان بزرگ مسجد جامع مظفری که بر اثر زلزله شکست برداشته بود؛
- ۱۲ - بنای شیستان بزرگ و رفیع در مسجد ملک توران شاه سلجوقی؛
- ۱۳ - بازسازی یکی از صحن‌های آستانه مقدس حضرت شاه نعمت‌الله ولی؛
- ۱۴ - بازسازی و بنای دروازه‌های گبری، رق آباد و سلطانی، پس از انهدام و تخریب و

- تغییر نام دروازه گبری و سلطانی به نام‌های خراسان و دولت؛
۱۵. - احداث نخانه، حمام و باغات در مزرعه سرآسیاب واقع در یک فرسنگی و ده بالا در سه فرسنگی شهر کرمان؛
۱۶. - احداث چهارباغ، با طرح و بنای بسیار، در مزرعه رحیم آباد در خارج از شهر کرمان؛
- ب. احداث کاروانسرا در معابر:
۱۷. - کاروانسرای بزرگ از خشت خام در خارج از شهر کرمان، متصل به دروازه سلطانی؛
۱۸. - کاروانسرای بزرگ از گچ و آجر باضافه آب انباری بزرگ در مزرعه رباط در دو منزلی شهر کرمان در راه یزد؛
۱۹. - کاروانسرای بزرگ و رفیع با دو رشته قنات در ناحیه کرمانشاهان در سه منزلی یزد؛
۲۰. - کاروانسرای از سنگ و گچ و آجر در روستای قلعه عسگر از اقطاع بلوک بردسیر؛
۲۱. - کاروانسرای در روستای نگار در دو منزلی شهر کرمان، در راه بندرعباس؛
۲۲. - کاروانسرای خان اسرخ در راه سیرجان؛
۲۳. - تعمیر اساسی کاروانسرای شمش (بازمانده از زمان صفویه) نزدیک گردنه زین الدین در راه انار به یزد در سه راهی شهر بابک - انار - یزد؛
۲۴. - تعمیر کاروانسرا و راهداری ناحیه زین الدین؛
۲۵. - کاروانسرای در روستای دارزین در پنج فرسخی بم با یک رشته قنات؛
۲۶. - کاروانسرای بزرگ به ظرفیت یک هزار نفر در روستای تهرود در راه بم به نرماشیر؛
۲۷. - کاروانسرای در ناحیه هنکا در راه بم - نرماشیر و بیلوچستان برای استفاده

مسافران و قشون مأمور به بلوچستان؛

- ۲۸- کاروانسرای در روستای شروستان در راه راین به جیرفت؛
- ۲۹- کاروانسرای بزرگ از گچ و آجر در روستای دژبند در راه خراسان؛
- ۳۰- کاروانسرای در راه نایبند و راور؛

پ. بلوکات:

- ۳۱- کاروانسرا و آب انبار در روستای ماهان؛
- ۳۲- احداث بازار، کاروانسرا، مسجد، آب انبار و حمام در شهر بم جنب امامزاده؛
- ۳۳- کاروانسرا (= زایرسرا) و بازاری در جوپار؛
- ۳۴- حفر چند رشته قنات و احداث چند مزرعه، باغ و حمام در نرماشیر؛
- ۳۵- احداث پلی منحکم بر روی رودخانه تهرود؛
- ۳۶- بنای حمام در روستای رودبار بم؛
- ۳۷- بنای حمام در روستای دزوساری از اقطاع جیرفت؛
- ۳۸- بازسازی و تعمیر اساسی قلعه و حفر چند رشته قنات و احداث باغ و چند باب حمام در ناحیه ریگان سرحد نرماشیر به بلوچستان؛
- ۳۹- بنای حمام در مزرعه عزیزآباد نرماشیر از مزارع خالصه؛
- ۴۰- احداث حمام در مناطق دازین، رودبار و بمپور؛
- ۴۱- احداث قنات در روستاهای کروک و کلان زهو؛
- ۴۲- احداث قلعه و قنات در ناحیه اسپهکه نصرت آباد؛
- ۴۳- احداث حمام، تکیه، مسجد و باغ در روستاهای کارزار از توابع بلوک بردسیر و تعویض نام آن به لاله زار؛
- ۴۴- احداث حمام و مسجد در بلوک گوک ۱۲؛
- ۴۵- احداث بنای آستانه، بقعه، صحن و زایرسرای شاهزاده حسین از فرزندان امام موسی بن جعفر (ع) در جوپار کرمان؛

- ۴۶- احداث چند خانه، باغ، حمام و مزرعه در قریهٔ چوپار؛
- ۴۷- تعمیر و بازسازی اساسی امامزاده ولی در تهران (شمیران) با کمک صدیق‌الملک و اتصال آن به مدرسه و مسجد امیرنظام؛
- ۴۸- احداث خانه و عمارت شخصی باشکوه در محلهٔ سنگلج تهران؛
- ۴۹- احداث تکیه‌ای بزرگ در محلهٔ سنگلج تهران به نام حضرت سیدالشهدا با مدرسه، حمام و آبریزگاه برای برقراری نماز جماعت به امامت حاج شیخ حسن مدرس؛
- ۵۰- احداث تکیه‌ای در روستای یوش از توابع نورمازندران؛
- ۵۱- کمک به چاپ و نشر کتاب‌های ۱- احوالات پیامبر (ص) و خلفا و اصحاب بزرگوار آن حضرت، ۲- احوالات حضرت امیرالمؤمنین (ع) از مجلدات ناسخ التواریخ لسان‌الملک سپهر و ادامهٔ آن با کمک وکیل‌الملک دوم؛
- ۵۲- کمک به ترجمه و چاپ تاریخ ایران اثر پسر جان ملکم؛
- ۵۳- کمک به روزنامهٔ ادب به مدیریت محمدحسین فروغی ذکاء‌الملک؛
- ۵۴- بنای عمارت و برج و باروی سراسلطان هشتگرد، مقر حکومتی این شهر؛
- ۵۵- بنای عمارت، دکاکین، حمام و حفر قنوات در شهر تبریز (محلهٔ حکم آباد).
(نوری اسفندیاری، ص ۷۲)

جانشین، فرزندان و نوادگان محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری

۱- مرتضی قلی خان

محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری (وکیل‌الملک اول) پس از اینکه در سال ۱۲۷۷ هـ به طور مستقل حکومت کرمان و بلوچستان را به دست آورد، مرتضی قلی خان پسر بزرگ خود را که سرهنگ فوج ملایر بود، با درجهٔ سرتیپی به کرمان فرا خواند و به ریاست دو فوج کرمان منصوب کرد. بدین صورت که خودش حکومت می‌کرد و ریاست قشون با پسرش بود. بعدها در سال ۱۲۸۶ هـ همین مرتضی قلی خان ملقب به لقب پدر، وکیل‌الملک دوم شد و در همین سال به جای حسین خان شهاب‌الملک

(نظام الدوله) شاهسون، حاکم کرمان شد و حکومتش تا سال ۱۲۹۵ هـ در کرمان ادامه داشت.

مرتضی قلی خان (وکیل الملک دوم)، نجم السلطنه دختر فیروزه میرزا نصره الدوله فرمانفرما (مادر دکتور محمد مصدق = مصدق السلطنه) را به عقد ازدواج خود در آورد و با کالسکه به کرمان آورد. اهالی کرمان که تا آن زمان کالسکه ندیده بودند، هر روز برای تماشای کالسکه به در خانه حاکم ازدحام می کردند. مرتضی قلی خان، در سال ۱۲۹۶ هـ در تهران درگذشت و در نجف اشرف در کنار مزار پدرش به خاک سپرده شد. (بامداد، ج ۳، ص ۲۹۷)

آثار و خدمات وکیل الملک دوم

مرتضی قلی خان هنگامی که به حکومت کرمان رسید، نظم و عزت، دولت خواهی، مردم داری، محاسن کردار و محامد اطوار پلنگ را ادامه داد و بناهای ناتمام او را به پایان آورد:

۱- با پرداخت ۸۵ (هشتاد و پنج) هزار تومان کار حفر نهر نجف اشرف را به پایان آورد؛

۲- در آستانه حضرت فاطمه معصومه (ع) عمارت، رواق و سردر عظیمی بنا نهاد؛

۳- مزار حاج محمد حسن نائینی (از علمای مراجع تقلید و استادان حوزه علمیه نجف در قرن سیزدهم هجری) را با هزینه ای بیش از هزار تومان تعمیر کرد؛

۴- احداث کاروانسرای برای رفاه حال عابرین و قافله ها در راه بافق به یزد؛

۵- اتمام ساختمان صحن وکیل الملکی در آستانه حضرت شاه نعمت الله ولی در

ماهان؛

۶- افزودن بازارچه ای رفیع و زیبا به بازار وکیل کرمان؛

۷- احداث میدانی وسیع به نام میدان شاه در ارگ کرمان؛

۸- احداث مسجدی مستقف (= شبستان) در جنب مدرسه ابراهیم خان ظهیرالدوله؛

- ۹- احداث باغی بزرگ به نام باغ نشاط در خارج از شهر کرمان؛
- ۱۰- بنای عمارات عالی و رفیع در ارگ حکومتی (باغ نظر)؛
- ۱۱- احداث باغات و عمارات در مزرعه اسماعیل آباد جوپار؛
- ۱۲- احداث تأسیسات نظامی بر اساس اصول جدید برای آموزش دفاعی مدرن و نگهداری سلاح در باغ نظر؛ دیوانخانه و مرکز ستاد قشون در قسمت غربی شهر اندکی خارج از شهر (محل فعلی باغ ستاد و دادگاه ارتش).

۲. سردار نصرت

میرزا حسین خان معروف به عدل السلطنه فرزند مرتضی قلی خان (وکیل الملک دوم) که از ۱۳۱۵ هـ در کرمان و بلوچستان به جای پدر مشاغل مهم دولتی با او بود. سردار نصرت با عناوین و القابی چون جمله الملک، نایب الحکومه، رئیس نظام و سرتیپ توپخانه، همه امور کشوری و لشکری این ایالت را بر عهده داشت. از ۱۳۲۸ هـ به بعد، به ویژه در حکومت کرمان، دخالت‌ها و مسئولیت‌های مهم داشت. در غوغای دودستگی‌های بعد از استبداد صغیر و تشکیلات حزب دمکرات در کرمان، جزو عوامل مهم محسوب می‌شد. در دوره پنجم مجلس شورای ملی به نمایندگی شهر کرمان تعیین و به تهران رفت. سردار نصرت، در تمام عمر به خدمتگزاری و انجام خواسته‌های مردم و امور خیریه اقدام می‌ورزید. در اواخر عمر، دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی را با خطی خوب به نحو مطلوب به چاپ رسانید و سرانجام حدود ۱۳۵۳ هـ درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

فرزندان و احفاد سردار نصرت

- ۱- حسن خان مرآت اسفندیاری (مرآت السلطنه). فرزند میرزا حسین خان سردار نصرت که در دوره‌های ششم تا چهاردهم مجلس شورای ملی از رفسنجان و سیرجان وکیل مجلس شد و در روز یکشنبه ۲۴ آبان (۱۳۲۶ ش) در تهران درگذشت؛

۲ - عبدالله خان عدل اسفندیاری (عدل السلطنه) برادر حسن خان مرآت و پشیر سردار نصرت و نماینده دوره‌های چهارم و پانزدهم مجلس شورای ملی از بیم و سیرجان. عبدالله خان در ۱۳۰۴ هـ به دنیا آمد. پس از تحصیلات و کسب معلومات مصدر خدمات دولتی گردید. مدت هائیبابت حکومت کرمان را به عهده داشت و سال‌ها به حکومت کاشان و بم مشغول بود. در اواخر عمر تابلوی بسیار زیبا از مرحوم محمد اسماعیل خان وکیل‌الملک تهیه و همراه با یکصد و چهارده جلد از کتاب‌های شخصی خود به کتابخانه آستان شاه نعمت‌الله ولی تقدیم کرد. تا این که سرانجام در ۱۳۴۲ ش در کرمان درگذشت؛

۳ - محسن خان مرآت اسفندیاری فرزند حسن خان مرآت پسر سردار نصرت که در دوره‌های پانزدهم، هجدهم، نوزدهم و بیستم از کرمان و سیرجان به نمایندگی مجلس شورای ملی رسید؛

۴ - رستم خان اسفندیاری (رفعت الدوله) برادر عدل السلطان و پسر مرتضی قلی خان و نماینده دوره‌های سوم و چهارم مجلس شورای ملی از شهر جیرفت. رستم خان سالها ضابط بلوک خبیص بود (ناظم الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰)؛

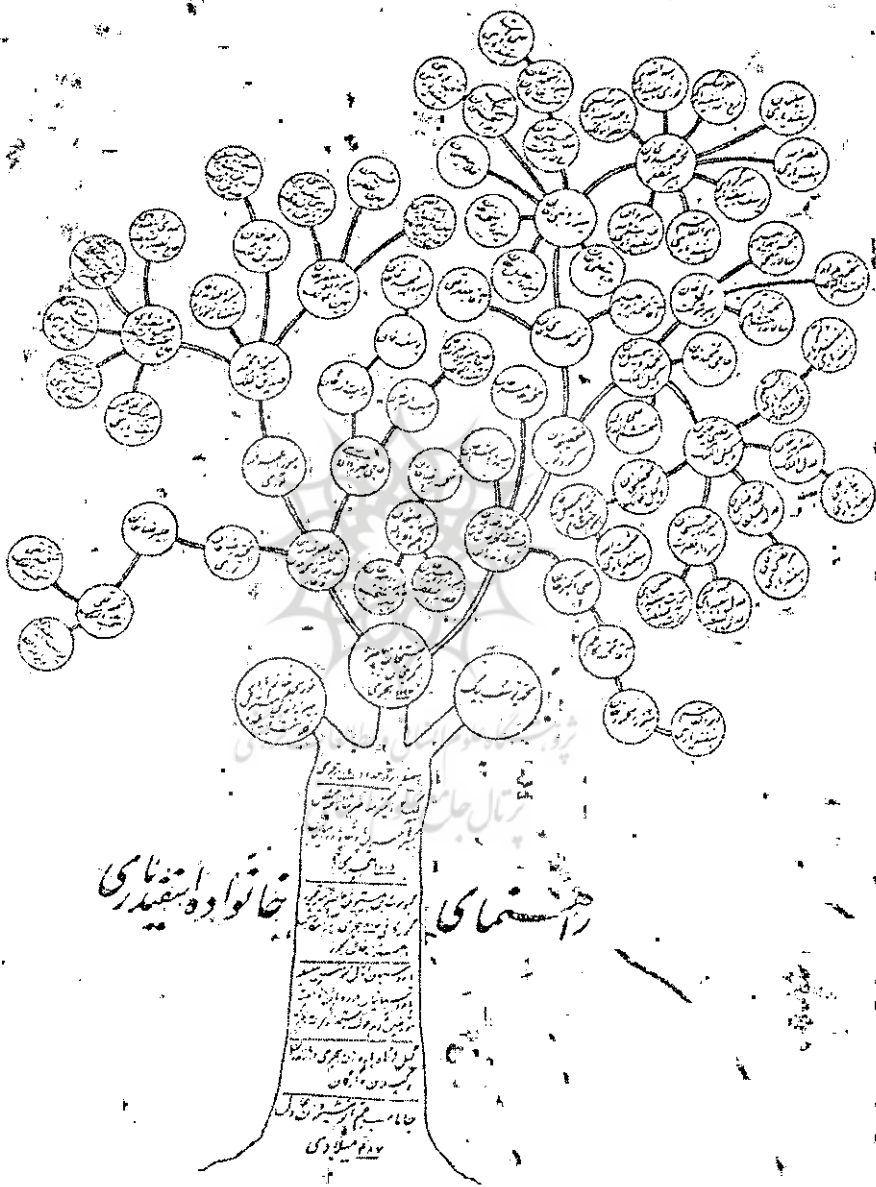
۵ - ولی خان، عموی سردار نصرت (پسر محمد اسماعیل خان) که اغلب ضابطه بلوکات کرمان را بر عهده داشت؛

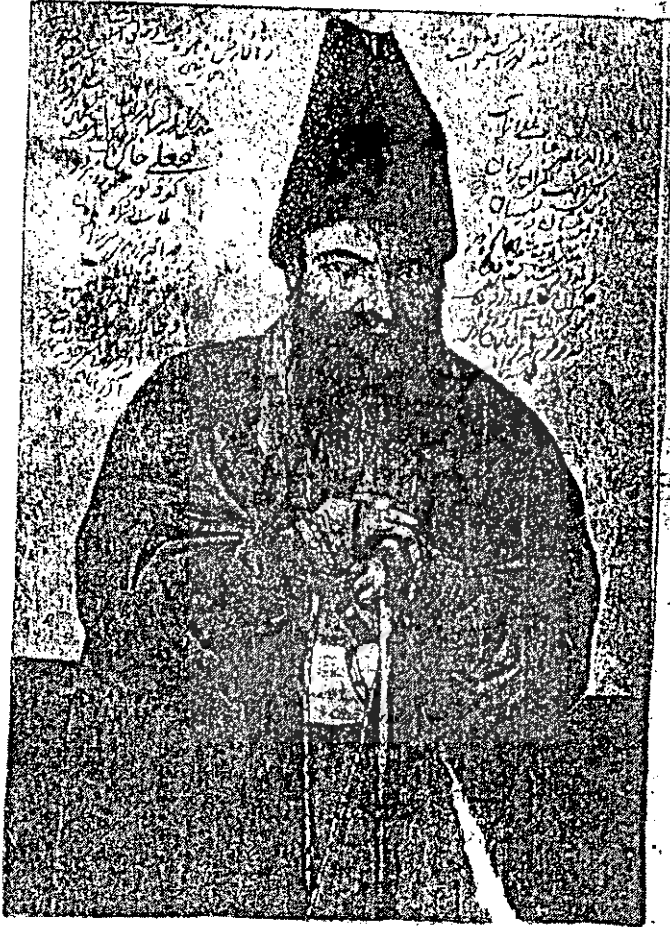
۶ - محمد اسماعیل خان وکیل‌الممالک پسر میرزا فتحعلی خان وکیل‌الممالک پسر وکیل‌الملک اول نماینده دوره پنجم مجلس شورای ملی از بیم؛

۷ - ملک منصور اسفندیاری فرزند محمدجواد خان محتشم ممالک فرزند امیر شوکت ولی خان (سالار مفخم) برادر مرتضی قلی خان وکیل‌الملک دوم که در دوره‌های ۲۱ و ۲۲ به نمایندگی از کرمان و سیرجان به مجلس شورای ملی راه یافت. (وزیری، ج ۱، ص ۸۶)

توضیحات

- ۱- ابراهیم خان ظهیرالدوله فرزند مهدی قلی خان برادر کوچکتر آقا محمدخان قاجار که در ۲۲ سالگی به حکومت کرمان رسید، ابراهیم خان، از سال (۱۲۱۸ هـ.ق تا ۱۲۴۰ هـ.ق) حکومت کرمان و بلوچستان را در دست داشت.
- ۲- از قدیم‌ترین ایام تا پایان دوره قاجار، حکومت کرمان و بلوچستان بعنوان یک ایالت بمعهد یک حاکم گذاشته می‌شد.
- ۳- مجموعه ابراهیم خان حدود سال ۱۲۳۰ هـ.ق، مجموعه وکیل در حدود سال ۱۲۷۶ هـ.ق و مجموعه حاج آقا علی رفسنجانی حدود سال ۱۲۹۹ هـ.ق در شمال و شرق مجموعه گنجعلی خان ساخته شد.
- ۴- کیومرث میرزا؛ پسر قهرمان میرزا پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه پسر فتحعلی شاه.
- ۵- محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری (وکیل‌الملک اول) جدّ خاندان اسفندیاری کرمان که از شعبان سال ۱۲۷۵ هـ.ق تا ۱۲۷۷ هـ.ق نایب‌الحکومه کرمان بود و از آن پس تا ۱۶ جمادی‌الآخر سال ۱۲۸۴ هـ.ق که درگذشت حکمرانی آن سرزمین را در دست داشت.
- ۶- قوی‌نیل (۱۲۷۵ هـ.ق)، نام سال هشتم از تقویم ختایی و اوغوری (سال گوسفند). این تقویم اصلاً چینی و ترکی است و پس از استیلای مغول در ایران رواج یافت.
- ۷- ایت‌نیل = (سال سگ) در تقویم اوغوری.
- ۸- تتکوزنیل = (سال خوک) در تقویم اوغوری.
- ۹- نام بندری در شرقی‌ترین مرز آبی ایران در ساحل دریای عمان که از بنادر بلوچستان بوده است.
- ۱۰- بندر تیس = طیس = تیز (Tis) از بنادر خلیج فارس در ساحل بلوچستان و بندر تجاری کرمان قدیم.
- ۱۱- اودنیل = (سال گاو) در تقویم اوغوری.
- ۱۲- روستایی آباد نزدیک خبیص (شهاد) که پس از یازسازی زلزله ۱۳۶۰ به (گلباف) تغییر نام داده است.





فتحعلیخان کوه نور



محمد اسماعیل خان نوری (وزیر الملک)



اسامی: سردار نصرت، عدل السلطنه، مرآت السلطنه

تاریخ: رمضان ۱۳۳۲ - طهران